

جنگ ماراتن

تحقیقات تاریخی جدید

بقلم سربرسی ساپکس . ترجمه از شرق نزدیک

دولت ایران در سنه ۵۵۰ قبل از میلاد بدست کوروش کبیر تشکیل یافت . این پادشاه دولت مد هارا منقرض ساخته کروزوس ادشاه لیدی را مغلوب کرد و سارد یا بخت ویرا متصرف گشت و کشور لیدی جز و متصرفات بی در آمد و بدین مناسبت باشهرهای یونانی آسیای صغیر و سواحل شرقی مدیترانه همسایه گشت . کوروش برای آنکه ساکنین این شهرها را بطرف خویش جلب نماید مساعی بسیار بکار برد اما یونانیها تن در ندادند و از همین جهت در منازعات و جنگهایی که بین این شهرها بوقوع می پیوست از حمایت کوروش محروم مانده و در پایان شهرهای مزبور یکی بعد از دیگری بحیطة تصرف شاهنشاه ایران در آمد .

در دوره بعد داریوش تصمیم گرفت که تراس را بمتصرفات خویش اضافه نموده و سیت های ساکن جنوب روسیه را که با آسیای صغیر ناخت و ناز می نمودند مطیع و منقاد کند . بنا بر این در نزدیکی قسطنطنیة حالیه از بغاز بسفور بوسیلة پلی که ساخت عبور کرده و از ساحل دریا با بحریة بزرگی که از شهر های مختلفه یونانی تابع ایران تهیه شده بود پیش رفت و شهرها و قبایل مختلفه را مغلوب و مطیع ساخت . از آن پس بروی رودخانه دانوب پلی بسته وبخاک سیت ها داخل شد . سیت ها بعبادت خویش از جنگ با وی امتناع کردند و چون در این خاک شهری نمود داریوش قشون خویش را بداخله این کشور برده و از رودخانه اورس با ولگا عبور کرد و پس از گردش طولانی مجدداً از دانوب گذشته و تراس را گرفت و مقدونیه نیز تحت حمایت شاهنشاه ایران در آمد . بدین کیفیت کشور ایران با یونان اصلی هم خالک شده قرب جوار یافت .

در این هنگام در آتن وقایعی رخ میداد و شرح آن اینکه هیبیاس از خانواده پیزیس- ترانوس در سنه ۵۱۰ میلادی تبعید شده و از ساتراپ ایرانی شهر سارد مدد خواسته بود . آتنیها با این همراهی اعتراض کردند ولی در مقابل از طرف دولت ایران جواب سختی شنیدند که باید هیبیاس را مجدداً بآتن بخواهند و الا امتناع آتن منجر بتصرف یونان خواهد شد .

از طرف دیگر یونانیهای ایونی در سنه ۴۹۹ طغیان کردند و این طغیان علت غائی لشکر کشی ایران بیونان بود . آتنی ها خبط بزرگی کردند که يك دسته جهاز بكمك این شهرها اعزام

داشتند و سپاهیان یونانی و ساکنین این شهرها متفقا بشهر سارد هجوم برده آنرا مسخر کردند ولی موفق بفتح قلعه بزرگ آن نشدند و چون اقداماتشان به نتیجه قطعی منجر نگشت عقب نشینی اختیار کردند. سپاهیان ایران بدنبال آنها شتافته و آنها را در افروس مغلوب و منهزم ساختند سپاهیان اعزامی از آتن بشهر خویش مراجعت کردند و چون دیگر از طرف یونان بشهرهای آسیای صغیر مساعدتی نشد در مقابل دولت ایران تاب مقاومت نیاورده و بالاخره در سنه ۴۹۴ بکلی مغلوب و منقاد شدند.

دو سال بعد از این واقعه مردانیوس (مردونیه) داماد داریوش با سپاهی کران و دسته کشتی مامور شد که بار دیگر تراس و مقدونیه را که از اطاعت دولت ایران سرباز زده بودند منکوب کند. شاید ضمنا دستوری باو داده شده بود که آنتی هارا بیاداش جسارتی که کرده بودند گوشمال بدهد. قسمت اول این ماموریت با موفقیت انجام یافت ولی پس از آن طوفانی شدید برخاسته کشتی های ایران دچار آسیب شدیدی گشت و نتیجه این شد که از این لشکر کشتی جز منقاد ساختن تراس و مقدونیه سودی بدست نیامد.

داریوش طبعاً مصمم بود که آتن را برای جسارتی که کرده بود سیاست نماید و بنابراین یکبار دیگر از طرف دریای اژه بیونان لشکر کشتی نمود. دسته کشتی ایرانی در تابستان سال ۴۹۰ از ساموس حرکت کرده و جزائر متعدد را در عرض راه تصرف نمود و پس از آن از تنگه بین یومیا و اتیکا گذشته بر آن شد که نخستین بار اریتریا را منقاد کند. اهالی این ناحیه از آتن مدد خواستند و از آتن بدو هزار نفر از آنتی ها که در ناحیه شالسید اقامت داشتند دستور رسید که بکمک اهالی اریتریا بروند. اما این گروه چون دریافتند که در میان ساکنین اریتریا خیانت پیشکن و جاسوسان زیادند این دستور را اطاعت نکرده و بناحیه اتیکا مراجعت کردند. اریتریا مدت شش روز در مقابل لشکر ایران یابداری کرد اما بالاخره مغلوب شده و اهالی آن اسیر گشتند.

چند روز بعد سپاهیان ایران تحت راهنمایی هیپیباس بطرف مارائن حرکت کردند. احتمال قوی اینست که مقصود از این حرکت این بوده است که سپاهیان آتن را از شهر آتن برای مقابله و دفاع بیرون بیاورند و اگر این نقشه موفقیت پیدا میکرد در موقع خالی بودن آتن از قوای مسلح تهیه و ایجاد وسائل انقلاب سهل میشد. همینطور احتمال میرود که ایرانیان قصد داشتند قسمتی از قوای خویش را در فالرن ۳ پیاده کنند زیرا سپاه ایران اقدامی برای تصرف کردن گردنه های کوهستان جنوب مارائن ننمودند در صورتیکه اگر نقشه فرماندهان ایرانی حمله بطرف خشکی بود تصرف این گردنه فوق العاده ضروری بود.

قسمتی که در فوق ذکر شد از روی تاریخ هرودت نگاشته شده و اینک مناسب است که اطلاعات جدیدیکه در باب این جنگ تاریخی بدست آمده ذکر شود.

شاید کمتر برای کسی اتفاق می افتد که این میدان جنگ بزرگ را بر اهنهائی بزرگترین متخصصین آثار عتیقه یونان فعلی تماشا کند ولی این خوشبختی برای من پیش آمد زیرا با تفاق بروفسور

سوتریادیس ۱ این میدان جنگ را اخیراً بازدید نمودم . روزی از ایام دلکش بهاری از میان تاکستان های آن و مزارع زیتون و کاج گذر کرده و در دامنه کوه ارگالیکی درنگ نموده و بتماشای شهر قدیمی ماراتن وارک معروف آن پرداختیم . این شهر بوسیله چشمه ای که آب کوهستان را میگیرد مشروب میشود پس از آن جوی مزبور بمسافت نیم میل از بانلاق کوچکی گذشته و بدریا میریزد . در مصب این چشمه بندر کوچکی بوده و هنوز آثار ابنیه یونانی و رومی در آن پدیدار است . این بانلاق تا نزدیکی شهر ادامه دارد بطوریکه فقط باریکه کوچکی بین شهر و بانلاق موجود است که سیاهیان میتوانند از آن عبور کنند .

از این شهر قدیمی که گذشتیم در دامنه شمالی کوه ارگالیکی بخرابه هراکلیون ۲ رسیدیم و در این ناحیه آثار قلعه که ۱۵۰ ذرع مربع مساحت آن است نمودار بود . در این قلعه چاهی است که آب مشروب ساکنین آنرا می داده است .

از تلهای شمالی وقتی بقدر یکصد فیت بالا بروند جاده قدیمی که از آن بگردنه دیونیزوس می رود مشاهده می شود . بنا بر این واضح است که خط جنگی سیاهیان یونانی در این محل بهترین موقعیت را داشته است زیرا يك جناح آن بکوهستان تکیه دارد و جناح دیگرش بیاتلاق متصل است که دشمن از آن نمی تواند بگذرد . ناحیه سوروس ۳ که طول آنرا هرودوت بکفرسخ می گوید و محل تلافی قشون ایران و یونان بود از بکفرسخ متجاوز است . مطابق اظهار یروفور سوتریادیس نظر بانکه این محل ریگزار است و خاکش محکم نیست و پای اسب و آدم در آن فرو می رود اردوی ایران و کشتی های آن در شمال نهر چاردرا چای گرفته بود .

در باب حرکات جنگی (استراتژی) سیاهیان دو کشور مطابق مشاهدات ما باقول هرودوت کاملاً موافق است ولی با آنچه در تاریخ قدیم کامبریدج در این باب نگاشته شده وفق نمی دهد متن این تاریخ چنین است :

آنی ها تصمیم گرفتند که بکمک اریتریا بروند ولی معلوم نیست این تصمیم را چگونه عملی کردند زیرا سخنی در باب کشتی های یونانی در میان نیست . هر چه هست احتمال قوی می رود که کشتی های آن قبلاً به اروپوس اعزام شده بودند که وسیله ارتباط بین قوای متحده یونان باشد و در صورت لزوم قوای آن را باویبا و یا قوای اریتریا را بآنها برساند و در مقابل هر حمله که بشود آماده باشد .

اما اگر آنتی ها باریتریا رفته بودند هرگز ممکن نبود مجدداً بتوانند بآنها برگشته و از شهر بدون دیوار آن دفاع کنند زیرا کشتی های ایران راه آنها را بسته بود و آن دیوار قتل عام می گشت و بنا بر این معلوم است که نویسنده کتاب تاریخ کامبریدج در رد قول هرودوت و تکیه بقیاس خویش مرتکب اشتباه گشته است .

بهر حال چنانکه هرودت می گوید ناحیه اریتریا در ظرف یک هفته مسخر گشت و سپاهیان

ایران در ماراتن اردو زدند. آتنی‌ها نیز با یک هزار نفر از مردم پلانه درهرا کابون موقعیت گرفتند و عده آنها رو بهم بده هزار نفر بالغ می‌گشت.

نظر نگارنده این است که چون ایرانیان دانسته بودند که سپاهیان اسپارت در اندک مدتی به آتن خواهند رسید تصمیم گرفتند که کلبه سواره نظام و قسمتی از قوای پیاده خود را در فالون پیاده کنند — و میلنیادس سردار یونانی از موقع استفاده کرده امر داد بهر دو قسمت در یک موقع حمله بشود.

یک نگاه دقیق باین میدان و ضم آن جنگ بزرگ را معلوم می‌کند. میلنیادس جناحین خویش را از چهار صف به پشت سر یکدیگر قرار گرفته بودند تشکیل داد تا بتوانند در مقابل عده بیشتر سپاهیان ایران مقاومت کنند. قلب قشون وی از یک صف تشکیل شده و خیلی ضعیف بود، شاید سردار یونانی عمداً قلب سپاه را ضعیف ساخته بود. بهر صورت با این کیفیت بطرف سپاهیان ایران که در جلو نهر چالدره صف آرائی کرده بودند پیشرفت. سردار یونانی اهمیت قوای تیرانداز ایرانی را می‌دانست و امر داد هینکه قوای یونانی بفاصله سیصد ذرعی ایرانیان رسند با قدم دو خود را بصقوف ایران برسانند.

قلب قوای میلنیادس در هم شکست ولی جناحین و قوای هوپ لیت یا زره پوش یونانی سپاهیان بدون زره ایرانی را در هم شکسته و به کشتی‌ها راندند و پس از آن بجانب قلب سپاهیان ایرانی عطف عمان کرده آنها را بماتلاق راندند و مطابق گفته هرودت ایرانیان ۶۰۰۰ نفر تلفات دادند و هفت کشتی از آنها نیز بچنگ قوای یونان در آمد.

تیغه سوروس که در آن جا پروفوسور شایمان آثار ماقبل تاریخی بسیار کشف کرده است محل تلاقی دو سپاه است و در اینجا آتنی‌ها خاکستر سپاهیان یونانی را که در این جنگ کشته شده بودند دفن نمودند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سال جامع علوم انسانی

رباعی

زیرا که ندیده‌ام به تیمار تو جهان
صد سال توان زیست به آنجا آسان

مسعود سعد

زنده بشو مانندام من ام ای جان جهان
هرجا که موافقت در آید بمیان